

درآمدی بر اصول فرزندپروری با تأکید بر سیره علوی

محمودامیدی،* سیفاله فضل‌الهی قمشی**

چکیده

در عصر حاضر، تربیت فرزندان از اساسی‌ترین دغدغه‌های والدین است. دین آسمانی اسلام تعالیمی مناسب و امام‌علی علیه السلام تعالیمی خاص درباره تربیت فرزندان دارند. از این رو، هدف این پژوهش درآمدی بر اصول فرزندپروری با تأکید بر سیره علوی بود. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و اسنادی بود. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از طریق فرم‌های فیش‌برداری گردآوری و در نهایت به شیوه توصیفی تحلیلی و اسنادی ارزیابی شد. نتایج پژوهش حکایت از آن داشت که عزت، آزادی، محبت، تکریم، اخلاق‌مداری، توجه به تفاوت‌های

* دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران.

mahmoudmidi@yahoo.com .

** دانشجوی دکترای علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد قم.

fazlollahigh@yahoo.com.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۳

فردی، تدریجی بودن تربیت، همه‌جانبه‌بودن تربیت و بازی از اصول اساسی امام‌علی علیه‌السلام در تربیت فرزند است.

واژگان کلیدی

سیرهٔ علوی، اصول فرزندپروری، فرزندپروری.

طرح مسئله

پژوهش‌ها دربارهٔ نقش خانواده در شکل‌گیری رفتار و شخصیت کودکان نشان می‌دهد که خانواده یکی از عوامل بسیار مؤثر در رشد کودک است. کودکی که سالم به دنیا می‌آید، عالی‌ترین امکان رشد را دارد. او در بهترین حالت خود آفریده شده است و ظرفیت به‌بهرترین وجه تربیت‌شدن را دارد و می‌تواند به عالی‌ترین کمالات دست یابد؛ البته به شرط اینکه خانواده و محیطی مناسب در اختیارش باشد که در آن رشد کند. زمانی که کودک پا به عرصهٔ وجود می‌گذارد، والدین بسیار تلاش می‌کنند که بهترین و عالی‌ترین امکانات را برای رشد همه‌جانبهٔ او فراهم کنند. والدین مایل‌اند، فرزندان سالم و شاداب و نیرومند داشته باشند؛ باوجوداین، بسیاری از کودکان در طول فرایند رشد، به تدریج، ویژگی‌های نامطلوب تربیتی را کسب می‌کنند، اعتمادبه‌نفس ندارند، احساس امنیت نمی‌کنند و دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (نلسون، ۱۳۸۱).

بامریند معتقد است که فرزندپروری از جمله مباحث تربیتی است که در تاریخ زیست انسانی ریشه دارد. انسان از آغاز خلقت تاکنون، همواره سعی کرده است که فرزند خویش و به عبارتی کلی، نسل بعد از خود را تربیت کند و

به رشد و شکوفایی مطلوبی برساند. به همین دلیل، همواره در مطالعه سیر تاریخی زیستی انسان، یکی از دغدغه‌ها و مشکلات او نحوه فرزندپروری است. فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. در واقع، اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

اسلام از جمله ادیانی است که از دیرباز، همواره بر تربیت فرزندان و نسل مطلوب جامع تأکید کرده است. در متون اسلامی، فرزندپروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، رابطه‌ها و روش‌هایی است که جدا و در ارتباط با یکدیگر بر رشد معنوی و عاطفی فرزند و در ابعاد فردی و اجتماعی او تأثیر می‌گذارد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از امامان معصوم که نظریه‌های جامعی درباره تربیت، به خصوص فرزندپروری دارد، امام علی علیه السلام است. از دیدگاه حضرت علی علیه السلام فرزندان انسان تربیت پذیرند و اگر پدر و مادر از اصول و شیوه‌های تربیتی آگاه باشند، به خوبی می‌توانند از این ویژگی فرزندان بهره برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی یاری کنند. آن حضرت براساس اصل «تربیت پذیر بودن انسان» یکی از حقوق فرزندان بر پدر را تربیت شایسته فرزند می‌داند و می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ إِسْمَهُ وَ يَحْسِنَ آدَبَهُ وَ يَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ»؛ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به خوبی تربیتش کند و به وی قرآن بیاموزد (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹، ۱۳۸۶: ۱۱۹۳). آن حضرت در کلامی دیگر در همین باره می‌فرماید: «مَا نَجَلَ وَالِدٌ وَكَلَدًا نَحَلًا أَفْضَلَ مِنْ آدَبٍ حَسَنٍ»؛ هیچ

پدری به فرزندش موهبتی مانند تربیت نیکو نبخشیده است (طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۸: ۶۲۵). به همین دلیل، والدین باید با اصول تربیت فرزند آشنا باشند تا بتوانند وظیفه خود را به خوبی انجام دهند.

از دیدگاه اسلام یکی از مسئولیت‌های اصلی خانواده‌ها تربیت فرزندان است که از آن به فرزندپروری یاد می‌شود. همچنین، تربیت صحیح فرزندان یکی از حقوق اصلی فرزندان است. امام صادق علیه السلام سه حق را بر پدر لازم می‌دانند که یکی از آن‌ها جدیت در تربیت فرزند است. ایشان می‌فرمایند: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن برای او و جدیت در تربیت او (مجلسی، ج ۷۸، ۱۳۷۲: ۲۳۶). از این رو، یکی از ویژگی‌های برجسته حضرت علی علیه السلام اهتمام فراوان ایشان به تربیت فرزندان خویش است. این جدیت، در تربیت فرزندان چون امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام به خوبی آشکار است. سخنان آن حضرت درباره شیوه‌های دینی و درست تربیت فرزند، سند دیگری بر اهتمام آن امام بزرگوار به پرورش اسلامی و انسانی فرزندان است. انسان با دقت در سرگذشت فرزندان امام علی علیه السلام به تربیت بی‌مانند این امام پی می‌برد و چنین تربیتی فقط از افرادی همچون ایشان برمی‌آید.

واژه سیره بر وزن «فعله» از کلمه «سیر» مشتق شده است. سیره، یعنی حالت و نوع خاص حرکت و رفتار انسان (ابن منظور، ج ۴، ۱۴۱۴: ۳۸۹)، سنت و روش و مذهب. «سیره الرجل»، یعنی روش و کردار مرد، چگونگی رفتار او

با مردم. در اصطلاح، به آنچه درباره رفتار پیامبر خدا ﷺ بیان شده است، سیره گویند (طریحی، ج ۳، ۱۳۷۵: ۳۴۰). راغب اصفهانی نیز در ذیل این واژه می‌نویسد: «سیره حالت و روشی است که انسان و غیرانسان نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۷). سیره در عرف مسلمانان، در معنایی معادل با معنای سنت نیز به کار رفته است و به معنی مجموعه رفتارها و گفتارهای پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است (یاور، ۱۳۸۷).

حضرت علی علیه السلام با آگاهی از اهمیت تربیت به موقع فرزندان، از پدران و مادران می‌خواهد که پیش از آنکه کار تربیت فرزندانشان دشوار شود و فرزندان گرفتار انحراف و فساد شوند، به تربیت آنها همت گمارند و هیچ فرصتی را از دست ندهند. آن حضرت در نامه خویش به فرزندش، امام حسن علیه السلام، چنین می‌فرماید:

«... یا بُنّی، اِنْسِی لَمَّا رَأَيْتَنِي قَدْ بَلَغْتَ سِنّاً وَرَأَيْتَنِي اِزْدَادَ وَهَناً بِاَدْرَتِ بَوْصِيَّتِي اِلَيْكَ وَ اُوْرَدْتَ خِصَالاً مِنْهَا قَبْلَ اَنْ يَعْجَلَ بِي اَجَلِي دُونَ اَنْ اَفْضَى اِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي...»؛ پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمتِ آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۲۱ تا ۵۲۳).

بنابراین، موضوع اصلی پژوهش ما در این مقاله، بررسی اصول فرزندپروری از منظر امام علی علیه السلام است.

پرسش پژوهش: اصول فرزندپروری مبتنی بر سیره علوی چیست؟

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر منابع و متون مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری و در راستای پرسش پژوهش بررسی شد. از این رو، روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی است. در پژوهش اسنادی سعی می‌شود از مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش، به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش استفاده شود (هومن، ۱۳۸۵: ۱۵۳). جامعه پژوهش حاضر شامل منابع و متون موجود و مرتبط با موضوع پژوهش است. از میان منابع، آن‌هایی که با پرسش پژوهش ارتباط بیشتری داشتند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین، برای گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش‌برداری از منابع و اطلاعات استفاده شد.

یافته‌های اصول فرزندپروری در سیره علوی

اصل عزت

عزت در لغت به معنی صلابت و قوت و حالت شکست‌ناپذیری است. «عزت حالتی است که نمی‌گذارد انسان، مغلوب کسی و چیزی گردد و شکست بخورد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۸۳). عزت در خصوص انسان، یعنی آبرو و شخصیت و کرنش نکردن در برابر صاحبان زور و زور (عبدوس، ۱۳۷۵: ۱۷۸). با وجود اینکه اصل عزت برای خداوند است، خداوند آن را به هرکسی که طالب عزت باشد، می‌بخشد (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾؛ هرکس عزت خواهد، بداند که عزت فقط برای خداست (فاطر، ۱۰). از این رو، حضرت علی علیه السلام درباره عزت‌بخشیدن خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَاتِنُهُ جَلَّ

إِسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ؛ خداوند که نام او بزرگ است، برعهده گرفته است که یاری کند، هرکسی را که او را یاری کند و عزت بخشد، هرکسی را که او را عزیز دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

عزت صفتی واقعی و وجودی است و معیار آن تقوا است. مریبان تربیتی باید در جهت ایجاد احساس عزت واقعی در تربیت شونده و رعایت عزت او تلاش کنند؛ چراکه گاه، انسان بدون داشتن عزت واقعی، احساس عزتمندی می کند و این احساس پوچ، برای وی فایده ای ندارد. «احساس عزت دوگانه است. گاه کسی تنها، احساس عزت می کند، بدون آنکه عزیز باشد و گاه شخص، واقعاً عزت را در خود [ایجاد] نموده است» (باقری، ۱۳۷۴: ۱۳۵). حضرت علی علیه السلام در آغاز نامه خویش به فرزند برومندش، امام حسن علیه السلام می فرماید:

«وَوَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي، فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يُعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي»؛ من تو را پاره ای از خود، بلکه همه موجودیت خود یافتم تا آنجا که اگر چیزی به تو اصابت کند، گویی به من اصابت نموده است و اگر مرگ سراغ تو را بگیرد، گویی به سراغ من آمده است و درباره امور زندگی تو همان اهمتامی برای من لازم است که به امور حیات نفس خویشتم دارم (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۸۵۹).

باتوجه به مطالب بیان شده حفظ عزتمندی کودک در فرایند تربیت از الزامات اصلی تربیت اسلامی و تأکید شده از سوی امام علی علیه السلام است. خداوند انسان را عزتمند آفریده است و دوست دارد هنگام تربیت و رشد انسان، عزتمندی او حفظ شود. از این رو، والدین و مربیان در تعلیم و تربیت کودکان و دانش آموزان باید عزت کودکان را حفظ کنند و با آنها عزتمندانه برخورد کنند.

اصل آزادی

از لحاظ فلسفی آزادی همچون تعلیم و تربیت از حقوق بسیار مهم آدمی است؛ به طوری که نمی‌توان انسانی واقعی، اما بی‌بهره از آزادی را تصور کرد. همچنین، مشاهده‌ها و آزمایش‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که آدمی فطرتاً و از بدو تولد طالب آزادی است و هرآنچه آزادی‌اش را محدود کند، موجب درد و رنج او خواهد بود (شکوهی، ۱۳۷۵: ۱۶۸). آزادی شرط ضروری سعادت فرد و اجتماع است؛ اما نباید تصور کرد که در آزادترین موقعیت‌ها، همه افراد یکسان رشد می‌کنند؛ زیرا همه استعداد یکسان ندارند؛ ولی همه می‌توانند به کمالی که استعداد آن را دارند، برسند. مزیت اینکه رشد همه افراد در یک جهت نیست و همه استعداد یکسانی ندارند، این است که از تنوع استعدادها، تنوع کارها و تخصص‌ها و وظیفه‌ها پدید می‌آید و نتیجه آن، رنگارنگی تمدن است (صناعی، ۱۳۸۰: ۱۱ تا ۱۲).

خداوند متعال در قرآن کریم درباره دادن آزادی و اختیار به انسان می‌فرماید:

﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَ إِقْمَا كَفُورًا﴾؛ ما او را به راه [درست] هدایت کردیم، یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس (انسان، ۳).

در حکمت‌های منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است: «فرزندان خود را به عادات و آداب خود مجبور نکنید؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۵۵).

بنابراین، والدین و مربیان تربیتی، باید اصل اختیار کودک را هنگام تربیت در نظر گیرند و در زمینه تربیت کودکان، هیچ‌گونه استبدادی به کار نبرند. چراکه استبداد رأی در هنگام تربیت، باعث انزوای کودک و کاهش علاقه او به تعلیم و تربیت می‌شود.

اصل محبت

نیاز به محبت یکی از نیازهای اساسی انسان است. محبت به کودک و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی کودک، باعث اعتماد به نفس و جلب اعتماد کودک می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۸۸). امام علی علیه السلام در همین رابطه در نامه خود به فرزندش، امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «فرزندم، بدان کسی که سخنش دلنشین است، باید او را دوست داشت و طبیعی است که هر محبویی، کلامش گوش‌کردنی است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۳۱). پس اگر مربی و والدین به اندازه لازم به کودک محبت کنند، کودک نیز آنان را دوست خواهد داشت و سخنان آنان را گوش خواهد داد. برقراری رابطه مثبت با کودک از نخستین اصل فرزندپروری است. در این باره پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «*أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُؤُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرُزُّوهُمْ*»؛ کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آن‌ها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آن‌ها شما را روزی دهنده خود می‌دانند (کلینی، ج ۶، ح ۳، بی تا: ۴۹). امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

حضرت موسی علیه السلام از خداوند پرسید: «خدایا، برترین اعمال نزد تو کدام است؟» خداوند فرمود: «دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آن‌ها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آن‌ها را بمیرانم، همه آن‌ها را به رحمت خود به بهشت داخل می‌کنم» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۴۷).

بنابراین، اظهار محبت به کودکان در دوران تربیت و رشد آنان از الزامات مهم فرزندپروری است و هرچه رابطه بین والدین و فرزندان صمیمی‌تر باشد، تربیت فرزندان مطلوب‌تر خواهد بود.

اصل تکریم

خداوند متعال در قرآن کریم بنی آدم را تکریم کرده است و فرموده که هیچ موجودی را برتر از انسان نیافریده است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾؛ ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی و بر بسیاری از آفریده‌ها برتری دادیم (اسرا، ۷۰). امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، در همین رابطه می‌فرماید: «با بچه‌هایتان به گونه‌ای برخورد کنید که آن‌ها خودشان را کریم و باشخصیت بدانند» (آمدی، ۱۳۳۷). اصل کرامت و جودی انسان که ناشی از مقام خلیفه‌الهی اوست، زیرساختی‌ترین اصل تربیتی است. بنابراین، تمامی هنجارها و رفتارهای تربیت‌ساز کودک باید مبتنی بر این نگاه باشد. خداوند متعال در قرآن کریم درباره تکریم یکدیگر می‌فرماید: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ...﴾؛ آن‌ها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آن‌ها برادران دینی و دوستان شما هستند (احزاب، ۷).

حضرت علی علیه السلام درباره سخن گفتن با زبان تکریم، به خصوص هنگام تربیت کودکان می‌فرماید: «اجملو فی الخطاب تسمعوا جمیل الجواب»؛ با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن بگویید تا او نیز به شما با احترام جواب بگوید (آشتیانی و فاضلی، ۱۳۷۵). نمونه‌هایی از شیوه‌های تکریم و احترام در کردار معصومان علیهم السلام عبارت است از: سلام کردن به کودکان، سخن گفتن به نیکویی با فرزندان، مشورت کردن با فرزندان، برخاستن در مقابل

فرزند و استقبال از او هنگام ورود به مجلس، جای دادن به کودکان در صف نماز جماعت و شرکت کردن در بازی کودکان. همچنین، امام علی علیه السلام هنگام صحبت با فرزندان لفظ «بُنی» (فرزند عزیزم) را به کار می برد که حاکی از احترام و تکریم کودکان است (فرمehینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۸۸). بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده والدین باید در فرایند تربیت کودکان، همواره به اصل کرامت انسانی کودکان و تکریم آن ها توجه کنند و همواره با زبان تکریم و احترام با آن ها سخن گویند.

اصل اخلاق مداری

بر اساس آموزه های دین مبین اسلام و به گفته پیامبر صلی الله علیه و آله هدف از مبعوث شدن ایشان و نشر اسلام در بین مردم گسترش صفت های نیک اخلاقی است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ به راستی که من مبعوث شدم تا شرافت های اخلاقی را کامل و تمام کنم و به مردم بیاموزم (مجلسی، ج ۱۶، ۱۳۷۲: ۲۱۰). اخلاق مجموعه ای از صفات روحی و باطنی در انسان است که به صورت رفتار از خلیقات درونی انسان ناشی می شود؛ از این رو، اخلاق را می توان از راه آثارش تعریف کرد. انجام مستمر یک نوع رفتار، دلیل بر این است که این رفتار در عمق جان و روح فرد ریشه یافته است و چنین رفتاری را خلق و اخلاق می نامند (تولایی، ۱۳۸۹: ۸). درباره اخلاق آیه ها و روایت های بسیاری وجود دارد که گویای اهمیت آن است. حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت اخلاق نیکو می فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرُ قَرِينٍ»؛ خوش خلقی بهترین همدم انسان است (حرانی، ۱۳۸۲: ۲۱۹). حضرت امیر علیه السلام در نامه ای به فرزندش، امام حسن علیه السلام می فرماید:

«وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْ عَنِ الْمُنْكَرِ لِيُذَكَّرَ لَكُمْ وَتَرْحَمُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّكُمْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مُّوَدَّعُونَ»
بجهدی و جاهد فی الله حق جهادیه و لا تأخذک فی الله کومة لائم؛ به
نیکی ها امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و زبان بدی ها را انکار کن و
بکوش تا از بدکاران دور باشی و در راه خدا آن گونه که شایسته است تلاش
کن و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد
(نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۳۱).

والدین باید فرزندان را از فسادهای موجود در اطرافشان آگاه سازند و
آن ها را از محیط های آلوده به فساد دور کنند. همچنین، آن ها در تربیت
فرزندان باید به اصل نیکی و اخلاق خوش توجه کنند و به آن ها خوبی کردن به
دیگران را بیاموزند. والدین و مربیان باید با اخلاق نیکو تعلیم و تربیت فرزندان
را پیگیری کنند و از رفتارهای پر خاشگرانه که موجب دوری کودک از آن ها
می شود، پرهیز کنند.

اصل توجه به تفاوت های فردی

یکی از ویژگی های انسان ها وجود تفاوت های فردی بین آن ها است. شکی
نیست که انسان ها به لحاظ قابلیت یادگیری، استعداد های فردی، نوع تربیت و
فرهنگ خانوادگی و بومی تفاوت های فردی گوناگونی دارند. توجه به این
نکته در شناخت روحیات افراد و اهمیت دادن به تفاوت های فردی در پیشبرد
هدف های تربیتی، بسیار مؤثر است؛ بنابراین، از اصولی که باید والدین و مربی
در تربیت به آن توجه کنند، اصل تفاوت های فردی است. در قرآن کریم آیاتی
وجود دارد که تفاوت ها و برتری بین افراد را برای ما تشریح می کند؛ مانند

تفاوت در خلقت و عمل و محیط‌های گوناگون. شکی نیست که تفاوت‌های میان افراد، ناشی از حکمت الهی است؛ زیرا همین تفاوت‌هاست که جامعه انسانی را به سوی تکامل مستمر سوق می‌دهد. اگر بشر، مانند زنبور عسل خلق شده بود؛ یعنی حس ترقی‌طلبی و بلندپروازی در نهاد انسان وجود نمی‌داشت؛ در آن صورت، تکامل و ترقی برای انسان محال بود (رفیعی محمدی، ۱۳۹۲).

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، در این باره می‌فرماید: «خیر مردم در تفاوت آن‌هاست و اگر همه مساوی باشند، هلاک می‌شوند» (مجلسی، ج ۱۷، ۱۳۷۲: ۱۰۱). در قرآن نیز به بعضی از تفاوت‌های فردی اشاره شده است. از جمله در سوره نوح خداوند چنین فرموده است: ﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً * وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً﴾؛ چرا در برابر خدایی که شما را گوناگون آفریده است، تعظیم نمی‌کنید (نوح، ۱۳ تا ۱۴). بنابراین، نکته مهمی که پدران و مادران و مربیان همواره باید به آن توجه کنند، اصل تفاوت‌های فردی است. همان‌گونه که انسان‌ها از نظر شکل ظاهری با یکدیگر متفاوت هستند، در استعدادها و توانایی‌های درونی نیز باهم تفاوت دارند.

اصل تدریجی‌بودن رشد و تربیت

تربیت و رشد انسان فرایندی تدریجی است و در مراحل گوناگون روبه‌تکامل می‌رود. از این رو، همواره در روایت اسلامی بر تدریجی‌بودن تربیت تأکید شده است. حضرت علی علیه السلام درباره تدریجی‌بودن رشد و تربیت می‌فرماید: «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ مُنْتَهَى طَوْلِهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ...»؛ کودک را در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارید و در هفت سال

دوم به او ادب بیاموزید و در هفت سال سوم او را به خدمت بگیرید (حرّ عاملی، ج ۱، بی تا: ۴۷۵). حضرت علی علیه السلام دوران رشد کودکان را به سه دوره گوناگون تقسیم بندی می کنند:

۱. ۱ تا ۷ سالگی (دوره سروری): کودک در هفت سال اول زندگی باید سید و سرور باشد. به اصطلاح، کودک باید آقای خانه باشد و والدین باید برای تأمین نیازهای او تلاش کنند؛

۲. ۷ تا ۱۴ سالگی (آشنایی با مسئولیت پذیری): در هفت سال دوم زندگی، کودک به صورت جدی وارد جامعه می شود؛ بنابراین، باید آموزش ببیند و تربیت شود. در این سن به نظر حضرت علی علیه السلام والدین باید زمینه آشنایی کودک با مسئولیت های گوناگون را فراهم کنند؛

۳. ۱۴ تا ۲۱ سالگی (مشاور): در هفت سال آخر، کودک در سنین نوجوانی است و باید رابطه والدین و نوجوانان بیشتر شود. به نظر حضرت علی علیه السلام در این سنین باید والدین به دیده مشاور به فرزندان خود نگاه کنند.

باتوجه به این نکته ها تربیت اخلاقی کودکان باید مراحل گوناگونی را طی کند. بدین منظور، لازم است والدین برای تربیت درست کودکان، رفتار خود را تا حد کودکی تنزل دهند. همچنین، در هر یک از این مراحل، باید آموزش و تربیت به صورت تدریجی و مناسب با سن کودکان انجام شود. بدون شک، افراط و تفریط در این سنین چیزی به جز سردرگمی برای کودکان نخواهد داشت.



اصل همه‌جانبه‌بودن تربیت و رشد

در تربیت و رشد انسان، باید همواره همه جنبه‌ها مدنظر قرار گیرد و توجه به یک یا چند جنبه کافی نیست. از این رو، در روایات اسلامی به جنبه تربیت عقلانی، جسمانی، اخلاقی و ... در کنار هم توجه شده است. حضرت علی علیه السلام به عنوان بهترین الگو در تربیت فرزند، هم به تربیت روحی فرزند سفارش کرده است و هم به تربیت جسمی او. آن حضرت به فرزندش، امام حسن علیه السلام فرمود: پسرم، آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آن‌ها از طب بی‌نیاز شوی؟ [امام حسن علیه السلام] گفت: «آری، ای امیرمؤمنان.» حضرت فرمود: «تا گرسنه نشدی بر سر سفره منشین، تا کاملاً سیر نشدی دست از غذا بکش، غذا را خوب بجو و پیش از خواب، رفتن به دستشویی را فراموش مکن» (شیخ صدوق، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۳۷).

در وجود انسان انگیزه‌ها و گرایش‌هایی است که برخی از آن‌ها از جنبه جسمی او سرچشمه می‌گیرند و برخی از بُعد روحی. درحقیقت، انسان هم نیازهای مادی و جسمی دارد و هم نیازهای جسمی و روحی. والدین موفق کسانی هستند که به هر دو نیاز فرزند توجه کنند و با برآوردن نیازهای روحی و جسمی او، هم به پرورش روح او اهتمام ورزند و هم به پرورش جسمش. بنابراین، هم پدران و مادرانی که فقط به تربیت جسمانی فرزند خویش همت می‌گمارند، در انجام وظیفه خویش کوتاهی کرده‌اند و هم پدران و مادرانی که فقط به پرورش روحی فرزند خود توجه می‌کنند.

باید بدانیم که از یک سو، برای داشتن یک کودک سازگار و متعادل، ناگزیریم که وضع بدنی او را تحت مراقبت قرار دهیم و در حفظ و تقویت آن بکوشیم؛

چراکه ما برای انجام کارهای مفید و ضروری زندگی، به سلامت جسمانی و قدرت بدنی نیازمندیم و غرایز و استعدادها نیز در سایه رشد و پرورش بدنی سالم، بهتر تعدیل می‌یابند. از سوی دیگر، باید بدانیم که وظیفه اصلی خانواده تنها، تغذیه و پرورش جسمی کودک نیست؛ بلکه رشد و پرورش روحی و روانی او نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نکته درخور توجه است که به علت ناآگاهی و سهل‌انگاری‌های والدین نسبت به تربیت روحی و روانی فرزند، نه تنها زمینه بروز انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌ها در فرزند به وجود می‌آید، بلکه چه بسا نابسامانی‌های روانی، خود، موجب بیماری‌های جسمانی آنان می‌شود و در نتیجه، جسم و روحی بیمار خواهند داشت (قائمی، ۱۳۶۳).

اصل بازی

در اسلام به حفظ تندرستی و داشتن قدرت بدنی برای حفاظت از خود و خانواده خود بسیار سفارش شده است و همانا قدرت افراد باید در راستای اطاعت از خداوند به کار گرفته شود. از همین رو، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾؛ همانا پروردگار تو مقتدر و پیروزمند است (هود، ۶۶).

تربیت جسمانی در نظر امام علی علیه السلام اهمیت بسزایی دارد. اگر افراد از لحاظ جسمانی ضعیف و رنجور باشند، نمی‌توانند تربیت دیگری را بپذیرند. از این رو، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا کودک در هفت سال اول زندگی آزاد است و باید به بازی و تفریح و سروری بپردازد» (حرّعاملی، ج ۱، بی تا: ۴۷۵).

ابورافع از افرادی بود که با امیرالمؤمنین علیه السلام رابطه نزدیکی داشت. این مرد آن چنان شایسته بود که اجازه داشت با فرزندان خردسال آن حضرت درارتباط باشد. در کتاب‌های حدیثی، مانند بحار الانوار از وی نقل شده است:

من با امام حسین علیه السلام گلوله‌بازی می‌کردم. او کودک بود. هرگاه گلوله‌ام به گلوله‌هایش می‌خورد، می‌گفتم: «مرا بر دوش بگیر.» [حسین علیه السلام] به من می‌گفت: «تَرَكُبُ ظَهْرًا حَمَلُهُ رَسُولُ اللَّهِ»؛ [یعنی] می‌خواهی بر پشت کسی سوار شوی که پیامبر خدا او را به دوش گرفته؟ من رهایش می‌کردم. هنگامی که گلوله او به گلوله من می‌خورد، می‌گفتم همان‌طور که تو مرا به دوش نگرفتی، من هم تو را به دوش نمی‌گیرم. [ایشان] می‌فرمود: «مَا تَرَضَى أَنْ تَحْمِلَ بَدْنَا حَمَلَهُ رَسُولِ اللَّهِ»؛ [یعنی] آیا راضی نمی‌شوی بدنی را حمل کنی که پیامبر خدا او را حمل کرده؟ و من او را بر دوش می‌گرفتم (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰).

حضرت علی علیه السلام درباره ورزش و اهمیت آن می‌فرماید:

«در بامداد و عصر که هوا خنک است راه‌پیمایی کن و در وسط روز که هوا گرم است مردم را [برای استراحت و آسایش] بازدار و آهسته بران [تا ناتوانان نیز بتوانند همراه توانایان بیایند]» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۱۲).

نیرو و قدرت جسمانی خود حضرت علی علیه السلام نماینگر آن است که ایشان از دوران کودکی به تربیت جسم اهمیت می‌دادند و نقل شده است که ایشان از کشتی‌گیران قهار دوره خویش بودند و همچنین، در سوارکاری نیز مهارت خاصی داشتند. همان‌طور که پیش از این هم بیان شد، حضرت علی علیه السلام معتقدند در دوران آغازین زندگی، کودکان باید بازی کنند. بنابراین،

باتوجه به سیره تربیتی امام علی علیه السلام تربیت جسمانی از الزامات دیگر اصول فرزندپروری کودکان است و این نوع از تربیت در هنگام کودکی اهمیت بیشتری دارد.

نتیجه

در این مقاله کوشش ما بر آن بود که اصول تربیت فرزندان را براساس سخنان و آموزه‌های حضرت علی علیه السلام بیان کنیم. امام علی علیه السلام تربیت برای فرزندان را مثل تغذیه برای زنده‌نگه داشتن کودکان می‌پندارد و تربیت را نیاز اساسی افراد می‌داند. توجه به اصول صحیح فرزندپروری، یکی از الزامات اساسی در تربیت فرزندان است. والدین به دلیل جایگاه و نقش آفرینی منحصر به فرد خود در تربیت، باید اصول مطلوب فرزندپروری را بدانند و این اصول را در تربیت کودکان خود به کار گیرند. اصول مهم فرزندپروری از دیدگاه امام علی علیه السلام عبارت است از: عزت، آزادگی، محبت، تکریم، اخلاق‌مداری، توجه به تفاوت‌های فردی، تدریجی بودن تربیت، همه‌جانبه بودن تربیت و بازی.

در پایان، براساس آنچه در این مقاله گفته شد، چند پیشنهاد برای به‌کارگیری اصول فرزندپروری امام علی علیه السلام در تربیت کودکان برای نظام خانواده و نظام تعلیم و تربیت بیان می‌شود:

۱. به‌کارگیری آموزه‌های دینی توسط والدین در تربیت فرزندان که این آموزه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تربیت بهتر فرزندان شود؛

۲. ایجاد جوی مثبت و عاطفی در خانواده بین والدین و فرزندان برای

اثربخشی تربیت فرزندان؛

۳. توجه جدی به فعالیت‌های بدنی، از جمله بازی در کودکان که از اصول مهم فرزندپروری در سنین کودکی است و والدین در خانه و معلمان و مربیان در مدرسه می‌توانند در این زمینه گام‌های مطلوبی بردارند؛

۴. اهمیت دادن به جنبه‌های گوناگون تربیت فرزندان، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی که با توجه به ابعاد گوناگون تربیت، می‌توان گامی درست در جهت تربیت فرزندان برداشت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی طالب، علی، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بی جا: انتشارات غرفة الاسلام.
۳. _____، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۴، بی جا: انتشارات غرفة الاسلام.
۴. _____، ۱۳۸۶، نهج البلاغه، ترجمه علامه محمدتقی جعفری، چ ۱۳، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، ج ۴، بیروت: دارصادر.
۶. ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۸۲، خصال، ترجمه یعقوب جعفری، ج ۱، قم: نسیم کوثر.
۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۳۷، شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۲، تحف القول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
۹. آشتیانی، محسن و علی فائزی، ۱۳۷۵، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، چ ۱، قم: انتشارات روحانی.
۱۰. آمدی، ابوالواحد میمی، ۱۳۳۷، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، س ۲، ش ۴، ص ۳۹ تا ۷.

۱۲. باقری، خسرو، ۱۳۷۴، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: مدرسه.
۱۳. پرچم، اعظم و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲۰، دوره جدید، ش ۱۴، ص ۱۱۵ تا ۱۳۸.
۱۴. تولایی، روح‌اله، ۱۳۸۹، «عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان»، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ش ۲۵.
۱۵. حرّ عاملی، محمدحسن، بی تا، وسایل الشیعة، ج ۱، قم: آل بیت.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹، منظر مهر؛ مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
۱۸. رفیعی محمدی، علی محمد، ۱۳۹۲، بیست اصل در تربیت؛ اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان، ج ۱۰، قم: انتشارات رسول اعظم صلی الله علیه و آله.
۱۹. شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۵، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. صناعی، محمود، ۱۳۸۰، آزادی و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. طرییحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، به تحقیق احمد حسینی، ج ۳، تهران: مرتضوی.
۲۲. طبرسی، رضی الدین ابی الحسن بن فضل، ۱۳۹۲، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی.

۲۳. عبدوس، محمدتقی و محمد مهدی اشتهاردی، ۱۳۷۵، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. فرمهبینی فراهانی، محسن، ۱۳۹۰، تربیت در نهج البلاغه، تهران: آیین.
۲۵. قائمی، علی، ۱۳۶۳، تربیت و بازسازی کودکان، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۲، بحار الانوار، ج ۱، ۱۶، ۱۷ و ۷۸، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۸. نلسون، آر، ۱۳۸۱، اختلالات رفتاری کودکان، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۹. هومن، حیدر علی، ۱۳۸۵، راهنمای عملی پژوهش کیفی، ج ۱، تهران: سمت.
۳۰. یاور، محمد جواد، ۱۳۸۷، «تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)»، ماهنامه معرفت، ش ۱۳۰.